



احوال و اقوال و افعال معصوم(ع)، چگونه به وحدت می‌رسد؟

معصوم(ع) کسی است که به جز خدا با چیزی حرکت نمی‌کند. اعتصام به خدا کرده و از غیر رو برگردانده است و خدا را برگزیده است این فرد به فراغت و عزت می‌رسد و این همان عصمت است.

معصوم(ع) کسی است که به جز خدا با چیزی حرکت نمی‌کند. اعتصام به خدا کرده و از غیر رو برگردانده است و خدا را برگزیده است این فرد به فراغت و عزت می‌رسد و این همان عصمت است.

به گزارش خبرگزاری مهر، متن زیر گفتاری از آیت الله میرباقری است که در ادامه می‌خوانید؛

معصوم(ع) کسی است که به جز خدا با چیزی حرکت نمی‌کند. و شیطان سرمایه‌گذاری اصلی‌اش را هم به روی امام(ع) می‌کند که اگر کوچک‌ترین ترک اولی از او صادر شود همه از دست خواهند رفت.

جریان ائمه(ع) و مصیبت‌های آنها این‌گونه است، ولی در آنها فقط اراده الهی اثر می‌کند و یک معنای جمله و محال مشیه الله؛ همین است که فقط مشیت خدا در آنها اثر می‌کند. پس این اعتصام باعث می‌شود هر نفوذی، ولو به اندازه غفلت و نسیان، در معصوم(ع) راه نداشته باشد و لذا معصوم(ع)، سهو هم ندارد و وقتی همه کارها در مسیر رضای خدا باشد، سهو چه جایی دارد؟ سهو یعنی انسان کاری کند که از مسیر بیرون برود و البته متوجه نباشد. این معنا برای معصوم(ع) معنا ندارد. او کسی است که اعتصام دارد. کسی است که خدا از طرق او فعل انجام می‌دهد. کسی است که پدال‌هاست (البته این، حلول نیست) و تعابیر از این دست در زیارات و صلوات‌ها مفصل است مانند «أَحْيَ بِه قُلُوبَ الْمَيِّتَةِ»؛ و... که اینها به این معناست که خدا محیی است و دارد کار را جلو می‌برد ولی به وسیله امام این کار می‌کند. خداست که عالم را از عدل پر می‌کند لکن به دست مبارک امام زمان(عج). حدیث قرب نوافل از همین مسئله بحث می‌کند که عبد به مقامی می‌رسد که خداوند دست و گوش و... او می‌شود. پس همه کارهای او کار خدایی است. امامان با این مقاماتی که در ادله و ادعیه و زیارات ذکر شده است، معصوم هستند. آنها از مقام اعتصام خارج نمی‌شوند و لذا سهو معنا ندارد.

تعبیر دوم این است که امام آخرت را انتخاب کرده است که و بقیه عمدتاً برعکس هستند. «بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا * وَالْآخِرَةَ خَيْرٌ وَأَبْقَى»؛ البته تعبیر آخرت، مراتبی دارد و برای امام، آخرتش خود خداوند متعال است. امام در مناجات با خداوند فرمود: «يَا نَعِيمِي رِلْمٌ وَجَنَّتِي وَ يَا دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي»؛ یعنی امام در دنیا و آخرت با کسی جز خدا کاری ندارد. وقتی کسی اینگونه خداوند را انتخاب کرد دیگر زهد متولد می‌شود و رغبتی به چیزی و کسی ندارد. در روایت فرمودند: «عَظَّمَ الْخَالِقُ فِي أَنْفُسِهِمْ قَصْعَرًا مَا دُونَهُ فِي رِلْمٍ»؛ و چنین کسی واضح است کسی را نمی‌بیند و فقط خدا را رویت می‌کند و لذا افعال و اعمال و اقوال او به وحدت می‌رسد. همه حرف‌های او از یک جاست و در یک مسیر است. «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَى * إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَى»؛ لذا خداوند زبان و لسان اوست. اینکه امام قلب و اذن واعیه و جنب الله و... تعبیر شده است همین است. خدا با قوای او در عالم کار و تصرف می‌کند و به تعبیری فرمود: «اسْمَانِكِ التِّي مَلَأَتْ أَرْكَانَ كُلِّ شَيْءٍ»؛

لذا با این دو عامل است که به وحدت رسیده است. اعتصام به خدا کرده و از غیر رو برگردانده است و خدا را برگزیده است این فرد به فراغت و عزت می‌رسد و این همان عصمت است.